نیویورک

بواسطهٴ مستر ویلهلم

میرزا احمد سهراب

ای همنشین عبدالبهآء مدّتی قرین و همنشین عبدالبهآء بودی و روش و حرکت این بندهٴ بی سر و پا را مشاهده نمودی که چگونه بکل مهربان بودم راضی بآزردگی خاطری نمیشدم همیشه در فکر آن بودم که احبّا مسرور و خوشنود باشند اگر میدیدم که نفسی اندک حزنی یافته ولو بی‌سبب بکمال قوّت میکوشیدم که آن حزنرا زائل کنم و او را خوشنود نمایم و ملاحظه میفرمودی که چه ‌قدر افکار مختلفه بود چه‌ قدر احوال مختلفه همواره ستر مینمودم و خود را بنادانی میزدم و تجاهل میکردم و راضی بآن نمیشدم که اظهاری نمایم و یقین میکردند که بیخبرم و نادانم تا نفسی اندکی آزردگی حاصل ننماید و بگوید که این نمیداند باری جمیع این روش و سلوک را مشاهده نمودی الحمد للّه مدّتی با من معاشر بودی و مجالس بودی هر چیزی را بچشم خود دیدی و بگوش خود شنیدی شکر کن خدا را که چنین بمعیّت موقّت موفّق شدی هرچند حال قدر این معیّت معلوم نیست ولکن بعد ظاهر و آشکار میگردد باری من نهایت محبّت را بتو دارم و روز بروز میخواهم ترقّی بیشتر کنی و روشنتر شوی

 از نمایشهای تأهّل شما بعضی دلگیر شدند و باطناً متأثّرند این دلگیری اگر بماند روز بروز ازدیاد یابد و عاقبت نتائج خوشی نبخشد تو باید مثل عبدالبهآء محو و فانی باشی نگاه برفتار نفسی ننمائی همهٴ توجّهت بامر اللّه باشد مدّ نظرت این باشد دیگر بهیچ وقوعاتی اهمّیّت ندهی حال باید بجان و دل بکوشی تا این اشخاصی که از تو مکدّرند راضی و ممنون شوند محویّت محویّت محویّت فنا فنا فنا مغناطیس تأییدات الهی است ملاحظه مینمودی که عبدالبهآء چه‌ قدر محو و فانی بود تأسّی به عبدالبهآء کن و بعبودیّت آستان مقدّس قیام نما من تو را دوست میدارم و چون دوست میداشتم مدّتی مدیده با کمال مهربانی همنشین من بودی فی‌الحقیقه زحمت میکشی میکوشی میجوشی امیدم چنانست که جمال مبارک مکافات فرماید و یقین است که میفرماید باری خوشنود باش مسرور باش مطمئن باش من نهایت محبّت بتو دارم و از شدّت محبّت است که این را می‌نگارم و علیک البهآء الأبهی

بهجی

 ٢4 محرّم 1339

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۶ ژوئن ۲۰۲۴، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر